



دانشگاه هرمزگان  
Hormozgan University

دهمین همایش ملی

تازه های روانشناسی مثبت



موسسه ملی آموزش و پژوهش  
انجمن علمی روانشناسان  
شماره ملی: ۱۳۰۱۵۸۷۳۳۰



Sponsored and indexed by  
CIVILICA  
We Respect The Science

## بررسی مسئله پرخاشگری در میان دانش آموزان مقطع ابتدایی

فاطمه عساری

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان مرکز اروند آبادان، ایران

assariyaseen@gmail.com

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری در میان دانش آموزان ابتدایی می باشد. با توجه به بروز و افزایش مشکلات پرخاشگری در میان دانش آموزان ابتدایی و آثار منفی آن در میان آنها، تعیین علل و راهکارها ضروری به نظر می رسد. پژوهش حاضر به لحاظ روش از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی از نوع روش کتابخانه ای می باشد. در روش گردآوری اطلاعات با مطالعه کتب، مقالات، ژورنال های داخلی مرتبط با موضوع تحقیق به بررسی اهداف پرداخته است. در حال حاضر مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری چالش های زیادی برای والدین و دانش آموزان و معلمان ایجاد کرده است. و مبحث قابل اهمیتی محسوب می شود.

### واژگان کلیدی

مشکلات رفتاری، پرخاشگری، دانش آموزان، مقطع ابتدایی

## مقدمه

تحصیل و اقتباس نقش دانش آموزی در سیستم آموزشی کشورهای مختلف دربرگیرنده ی مقاطع سنی پیوسته و متداول است. که اولین و تاحدی تاثیر گذارترین این مقاطع تحصیلی دوره ابتدایی (سنین 7 تا 12 سالگی) است که عملکرد مطلوب در آن تا حد زیادی سلامت عملکردی فرد را در سایر دوره های تحصیلی تعیین می کند. موفقیت درسی دانش آموزان در تمام مقاطع تحصیلی به ویژه مقطع ابتدایی متاثر از عوامل مختلفی است. که یکی از مهم ترین آنها سلامت رفتاری و فقدان ناهنجاری های عملکردی نظیر پرخاشگری در فرد می باشد (عیسی نژاد و همکاران او، 1398).

بدون تردید یکی از زمینه هایی که اخیراً در آسیب شناسی روانی مورد توجه محققان قرار گرفته و تحقیقات مبسوطی را به خود جذب نموده، پرخاشگری است. پرخاشگری عبارت است از حالت منفی ذهنی همراه با نقصها و انحرافات شناختی و رفتارهای ناسازگارانه و همچنین به رفتار آشکارا اعم از فیزیکی و کالمی اطلاق میشود که منجر به آسیب به شخص، شیء و یا سیستم دیگری میشود. پرخاشگری از سه مؤلفه احساس پرخاشگرانه، افکار پرخاشگرانه و رفتار پرخاشگرانه تشکیل شده است. احساس پرخاشگرانه؛ حالت هیجانی که زیربنای پرخاشگری و خصومت است و «خشم» نامیده میشود. افکار پرخاشگرانه؛ نگرش پرخاشگرانه فراگیری است که فرد را به سوی رفتارهای پرخاشگرانه سوق میدهد و «خصومت» نامیده میشود. رفتار پرخاشگرانه؛ عبارت است از رفتار قابل مشاهده که با قصد آسیب رساندن انجام میشود (عابدی و همکاران او، 1396).

واژه پرخاشگری زیر مجموعه اختلال سلوک است، که از ریشه لاتین (aggrred) مشتق شده است که به معنای پیش رفتن و نزدیک شدن به هدف است. کلمن پرخاشگری را به عنوان رفتاری که هدف اولیه آن آسیب زدن به صورت فیزیکی یا روانی به فرد دیگر می باشد، تعریف کرده است. شواهد تجربی بیانگر آن است که پرخاشگری در طول زمان نسبتاً ثابت می ماند و پیش بینی کننده مشکلات سازگاری گوناگون درآیند از قبیل بزهکاری، سوء مصرف مواد، اخراج از مدرسه و... است. همچنین مطالعات انجام شده نشان می دهد کودکان و نوجوانان پرخاشگر معمولاً توان مهار رفتار خود را ندارند و رسوم اخلاقی و اجتماعی جامعه خود را زیر پا می گذارند. و به طور کلی آنها به صورت فیزیکی یا کلامی به دیگران حمله می کنند. به مقررات اجتماعی احترام نمی گذارند نظرات و خواسته های خود را به نظرات و خواست های دیگران ترجیح می دهند. نسبت به اطرافیان حالت جنگجویی، کج خلقی، بدگمانی، دارند. در مقابل کوچکترین مخالفتی با نظراتشان مقاومت می کنند (علامه و همکاران او، 1397).

در اوایل ساله ای پیش دبستانی، دونوع پرخاشگری پدیدار می شود. رایج ترین نوع پرخاشگری وسیله ای است. در این نوع پرخاشگری وقتی که کودکان شی یا امتیازی یا چیز خاصی را می خواهند، برای بدست آوردن آن، به فردی که سر راه آنهاست حمله ور می شوند یا بر سر او فریاد می کشند. نوع دیگر پرخاشگری، پرخاشگری خصمانه است که در این نوع، کودک به دیگری آسیب می رساند، پرخاشگری خصمانه دو حالت دارد: حالت اول، که پرخاشگری آشکار است کودک به دیگران صدمه بدنی وارد می کند یا او را به چینی صدمه ای تهدید می کند مثلاً کتک زدن، لگد زدن، یا تهدید کردن یک همسال به کتک زدن. نوع دوم پرخاشگری رابطه ای است، که به صورت محرومیت اجتماعی و شایعه پراکنی رخ می دهد و به رابطه ی همسالان آسیب می رساند (یعقوبی و همکاران او، 1388).

جهان در طول دهه ی گذشته شاهد افزایش روزافزون رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت آمیز نوجوانان و جوانان بوده است که در این رفتارها به صورت آزار و اذیت دیگران و پرخاشگری فیزیکی و کلامی در موقعیت های اجتماعی، مدرسه، و خانواده خود را نشان کی دهند. وقایعی از این قبیل این اعتقاد را که دانش آموزان در مدارس از امنیت برخوردارند مورد چالش قرار داده است این رفتارها در مدارس به

مشکل شایع و پردردسری برای والدین و معلمان تبدیل شده است. تهدید و آزار فیزیکی، قهر کردن، شایعه پراکنی، فحاشی، و حمل اسلحه از انواع پرخاشگری های جزئی و کلی است (میرنسب و همکاران او، 1390).

امروزه مشکل پرخاشگری معضل اساسی در تربیت کودکان ایجاد کرده است و راه کنترل آن بسیار دشوار شده است. پرخاشگری احساس درونی و هیجان ناشی از برانگیختگی است که غالباً به واسطه ی واکنش افراد به رفتارهای نامناسب دیگران ایجاد می شود و کودکان در دنیای پیشرفته امروزی به موازات پیشرفت تکنولوژی دچار رفتار پرخاشگرانه شده اند. الگوپذیری نامناسب، ناکامی، اضطراب، تضاد درونی، و رفتار خشونت آمیز همسالان در افزایش پرخاشگری کودکان نقش اساسی دارد (هجرانی دیارجان و همکاران او، 1399).

اختلال خشونت و پرخاشگری در بین دانش آموزان به یکی از مسایل مهم و درخور توجه در مدارس تبدیل شده است. دانش آموزان و گروه های زیادی به دلیل و بهانه های گوناگون با درگیر شدن در فرآیندهای خشونت آمیز آسیب های فراوانی را به خود و سایرین وارد می کنند. باید توجه داشت که بسیاری از درگیری های خشونت آمیز به دلیل تخلیه روحی و روانی دانش آموزان صورت می گیرد. لذا، معلمان و مربیان می کوشند تا با اتخاذ روش ها و تدابیر خاصی، رفتارهای کودکان را در جهت صحیح شکل دهند. برای این منظور به اتخاذ شیوه های متعددی نیازمند است از جمله این شیوه ها ارائه الگوی پند و موعظه، تشویق، تنبیه و غیره می باشد. روش های تربیتی که در مورد کودکان اتخاذ می شود، از اهمیت خاصی برخوردارند. عامل مهمی که تا اندازه ای در ورزش دارای اثر مثبت می باشد، رابطه مربی و شاگرد است. اهمیت کنترل پرخاشگری در دانش آموزان از طرف دیگر به این علت است که خشم در نوجوانان موجب می شود که آنها دایماً در حالت تدافعی قرارگیرند که این امر مانع رشد و شکوفایی ظرفیت های و توانایی ها و حسن تفاهم اجتماعی می شود یکی از آسیب های اجتماعی، پرخاشگری است که در مدرسه رو به افزایش است. به همین جهت، پرخاشگری یک مسئله اجتماعی و یکی از موضوعات اساسی بهداشت روانی به شمار می آید شاید بتوان گفت که رفتار های پرخاشگری و خشونت در بین نوجوانان یکی از دغدغه هایی است که خانواده ها از آن رنج می برند. چرا که نگران آینده فرزندشان می باشند (شیخی، خمرپور، 1402).

نتایج مطالعات مختلف داخلی و خارجی، شیوع پرخاشگری در کودکان را متفاوت و از 21-8 درصد گزارش کرده اند. مطالعه های در کرمانشاه نشان داده است که شیوع پرخاشگری در بین کودکان پسر 11-7 سال ساکن در مراکز نگهداری بهزیستی به طور معنادار بیشتر از گروه همسالان ساکن در خانواده است. علل مختلفی در رفتارهای پرخاشگری نقش دارند. در این میان میتوان به عوامل زیست شناختی مانند تستوسترون، عوامل خانوادگی مانند شیوه های فرزندپروری، طرد و سهل گیری از سوی والدین و عوامل فردی مانند شایستگی هیجانی اشاره نمود. همچنین، فرآیندهای هیجانی مثل دانش هیجانی و تنظیم هیجانی هر یک بطور مجزا به عنوان یکی از علل رفتارهای پرخاشگرانه شناسائی شده اند دانش هیجانی اشاره به توانمندی فرد در خواندن نشانه های هیجانی و تشخیص حالت هیجانی و موقعیتهایی که هیجان در آن مناسب میباشد دارد فقدان دانش هیجانی متناسب با سن، کودک را در معرض خطر پرخاشگری قرار میدهد مطالعات نشان میدهند کودکان پرخاشگر معمولاً در خواندن نشانه های هیجانی، درک دیدگاه طرف مقابل و مدیریت خشم مشکل دارند (حصارسرخ و همکاران او، 1395).

## اهمیت و ضرورت تحقیق

دانش آموزان بخشی از جامعه می باشند که تحت مراقبت های نظام آموزشی به امور تربیتی و آموزشی می پردازند. سازکارهای موجود در نظام آموزشی همواره درصد تامین شرایط مادی و معنوی برای رشد بدنی، عاطفی، فکری، آنان می باشند. دست اندرکاران نظام آموزشی و نیز خانواده دانش آموزان به عنوان گروه ذینفع از برون داد نظام آموزشی انتظار فارغ التحصیلانی شایسته، منضبط، سازگار و اخلاقی دارند. لذا به هر میزان در برآوردن این انتظار نقص وجود داشته باشد، درصد جبران آن برمی آید ناپهناجرهای رفتاری نقش تعیین کننده ای در کیفیت زندگی دانش آموزان در عرصه های تحصیلی، خانوادگی، شغلی، اجتماعی، دارد. در انجام هر مطالعه ای که بتواند بازخورد مناسبی به دست اندرکاران تعلیم و تربیت ارائه دهد حایز اهمیت. اثرگذار خواهد بود (شهرکی نیا، کان باز، 1402).

## پیشینه ی تحقیق

مطالعات نشان میدهد که مداخلت روانشناختی آموزش روابط اجتماعی و مدیریت خشم، در کاهش پرخاشگری و افزایش شادابی کودکان مؤثر است و و همکاران، 11 عملکرد آنان را بهبود میبخشد الکن<sup>۱</sup> (1990) بتردید اهمیت حمایت و راهنمایی کودکان و نوجوانان در جهت زندگی سالم و ایجاد فضای آموزش امن، اگر مهمتر از تواناییهای تحصیلی نباشد، کمتر نیست؛ هرچند کودکان سالم و شاداب در تحصیل علم نیز موفق تر خواهند بود. بنابراین، برنامه ریزی و سرمایه گذاری در این زمینه از امور حیاتی آموزش و پرورش است. شواهد محکمی وجود دارد اینکه تواناییهای شخصیتی هم قابل آموزش اند و نقش مهمی در رشد و تحول مثبت جوانان دارند؛ هم به عنوان عامل پیشگیری کننده از اختلالات و هم به عنوان عامل رشد دهنده و تعالی بخش. این توانمندی ها از طریق فرزندپروری مناسب، مدارس، برنامه های پرورشی جوانان و جوامع سالم به دست می آید فوردایس<sup>۲</sup> (1910) در پژوهشی نشان داد آموزش مدیریت خشم و شادمانی روی افراد شرکت کننده نشان داد، میزان شادمانی افراد 11 درصد افزایش یافته و شادمانی 5 درصد آنان به میزان بسیار زیادی افزایش یافته و 19 درصد آنان با این برنامه در پایان دادن به ناراحتی ها، کنار آمدن با مشکلات و از بین بردن روحیه افسرده، کمک نموده است (شعبانپور، حسین پور، 1398).

دودگ<sup>۳</sup> و پتیت<sup>۴</sup> (2003) پیشنهاد میکنند که پرخاشگری باید در یک چشمان انداز زیستی- روانی- اجتماعی بررسی شود، این معنا که گرایش زیستی و زمینه اجتماعی- فرهنگی، خطرپذیری تمایلت پرخاشگرانه در افراد را افزایش میدهد و در این بین، تجارب زندگی نقش میانجی را ایفا میکند. وراثت و عوامل اجتماعی- فرهنگی احتمال درگیر شدن کودکان در فعالیتهای پرخاشگرانه و مجرمانه را افزایش میدهد و از طرفی، فرزندپروری ناکارآمد والدین و تجارب منفی زندگی، نقش میانجی را در ارتباط بین عوامل زیستی و فرهنگی- اجتماعی با پرخاشگری بازی میکند طبق پژوهش فرازتو<sup>۵</sup> و همکاران (2007) وقایع تروماتیک اوایل زندگی که در 15 سال اول زندگی تجربه شده اند میتواند پرخاشگری فیزیکی را در بزرگسالی پیشبینی کند. همچنین براساس پژوهش کرافورد<sup>۶</sup> و رایت<sup>۷</sup> (2007) بدرفتاریهای روانشناختی در کودکی مثل تحقیر میتواند پرخاشگری بین فردی در بزرگسالی را پیشبینی کند. از طرفی

<sup>1</sup> Alkman

<sup>2</sup> Fordyce

<sup>3</sup> Dogg

<sup>4</sup> Petite

<sup>5</sup> Farazto

<sup>6</sup> Crawford

<sup>7</sup> Write

بدرفتاری های دوران کودکی ارتباط نیرومندی با مشکلات بعدی بزرگسالی همانند افسردگی، اضطراب، تنیدگی پس از حادثه و مشکلات ارتباطی دارد (شیدعبرانی وهمکاران او 1399).

تحقیقات بندورا<sup>8</sup> (1973) نشان داده که پرخاشگری کاملاً جنبه تقلیدی دارد و از راه مشاهده کسب می شود ثنمی تواند پایه ی ذاتی داشته باشد. در آزمایش معروف بندورا عدهخ ای از کودکان به مشاهده شخصی پرداختند که با عروسکی رفتار کلامی و عملی پرخاشگرانه داشت این حالت هم به صورت زنده یعنی مداغ واقعی و به صورت فیلم وهم به صورت کارتون برای کودکان نشان داده شد و مشاهده گردید. که کودکان تماشاچی وقتی با عروسک مزبور تنها گذاشته شوند همان رفتار پرخاشگرانه را که مدل و سرمشق با عروسک انجام می دهند و در این میان تاثیر کارتون و مدل واقعی به ترتیب از همه بیشتر بود علاوه بر این مشخص شد که وقتی مدل یا سرمشق به خاطر پرخاشگری خود با عروسک مزبور مورد تشویق و پاداش قرار می گیرد. اثر آموزش پرخاشگرانه بر روی بچه ها بیشتر می شود و هنگامی که مدل رابه خاطر پرخاشگری مورد تنبیه قرار می دهند. تقلید از کودکان از وی کاهش می یابد. بدین ترتیب پرخاشگری به عنوان یک پدیده ذاتی نیست بلکه به عنوان رفتاری که آموختنی بوده و از الگوهای یادگیری تبعیت می کند مطرح می شود (دیپیم مقدم وهمکاران او، 1402).

پژوهشی توسط طباطبایی وهمکاران او (1392) تحت عنوان بررسی رابطه ی سبک های فرزند پروری والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان دوره ابتدایی ، با هدف بررسی رابطه ی شیوه های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری در مدارس ابتدایی شهرستان خور و بیابانک انجام شد. براساس یافته های پژوهش مبنی بر اینکه شیوه های تربیتی والدین با پیشرفت تحصیلی و اختلال رفتاری دانش آموزان رابطه دارد (شهرکی نیا، کمان باز، 1401)

بیلمن<sup>9</sup> و لوسل<sup>10</sup> (2006) اظطههار می دارند براساس تحقیقات انجام شده عدم شایستگی اجتماعی به عنوان یکی از ویژگی های بارز کودکان و نوجوان پرخاشگر و بزهکار شناخته شده است. تحقیقات فراتحلیل نیز نشان داده اند که مهارت های اجتماعی ضعیف با پرخاشگری در کودکان دبستانی ارتباط دارند (علامه وهمکاران او ، 1397).

### علل پرخاشگری

#### ارتباط موثر والدین

ارتباط، موتور روابط اجتماعی و یک ضرورت برای همه روابط است. کارنس هولت معتقد استعامل والد و فرزندنی نخستین معرف دنیای ارتباطات کودکان است و یک رابطه مهم و حیاتی می باشد در خصوص اهمیت آن نیز بیشتر پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که عامل خانواده و مخصوصاً رفتار والدین در دروان کودکی نقش مهمی در بروز مشکلات رفتاری در کودکی و بزرگسالی داشته است. تحقیقاتی در زمینه مشکلات رفتاری صورت گرفته است اغلب این نتیجه را در برداشته است که اختلال های رفتاری مانند پرخاشگری بیشتر حاصل خانواده های مشکل دار، ساختار ناسالم، ونحوه ی ارتباط نامطلوب والدین با کودک است. محققان برقراری محیطی گرم و صمیمی در خانواده و رابطه محبت آمیز بین والدین و فرزندان را عاملی در جهت کاهش پرخاشگی کودکان می دانند. این رابطه نقش مهمی در عملکرد کودکان دارد و از همین راه ارتباط دوجانبه اولیه با والدین است که کودکان چیزهایی درباره محیط اطراف خود فرا می

<sup>8</sup> Bandura

<sup>9</sup> Billman

<sup>10</sup> Lucille



گیرند. اگر والدین نسبت به علائم کودکان حساس نباشند و آنها را حمایت نکنند، باعث ایجاد ناراحتی، ناآرامی در آنها می شود. طرد کودک از سوی والدین بر ادراک و احساس او تاثیر منفی می گذارد (میرزایی کوتنانی و همکاران او، 1394). حاجی زاده کاس احمدانی (1393) در پژوهش خود بر روی دانش آموزان ابتدایی و والدین آنها نشان داد که بیم تعارض والدین که یکی از ابعاد انسجام خانواده است، با پرخاشگری فرزندان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین نحو که هر چه روابط زناشویی ضعیف تر باشد، بر رابطه والدنی با فرزندان تاثیر گذاشته و ارتباط عاطفی کمتر می شود و به دنبال آن کودکان با افزایش اختلال های رفتاری چون پرخاشگری مواجه می شوند (میرزایی کوتنانی و همکاران او، 1394).

## اعتیاد والدین

به عقیده بولاک<sup>11</sup>، کودکان نیاز عمیقی دارند که دیگران را در دغدغه های شخصی خود شریک کنند و کودک با والدین معتاد، تنها کودکی است که نمی تواند حضور موثر والدین یا افراد مهم زندگی خویش را در دنیای اجتماعی خود به دست آورد که این مسئله در مراحل بعدی زندگی می تواند پیامدهایی را به دنبال داشته باشد. خانواده اولین محیطی است که فرزندان را باورها، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی جامعه آشنا می کند و به تدریج شخصیت فرزندان براساس این عناصر شکل می گیرد. فرزندان با الگوبرداری از والدین، اغلب رفتارهای آنان و حتی رفتارهایی را که والدین توجهی به آن ندارند، نظیر شیوه و لهجه صحبت کردن، پرخاشگری، به کاربردن الفاظ ناپسند، فحاشی، کارهای خالف و ... تقلید می کنند. طبق آمار گزارشات، مصرف مواد مخدر در بین ایرانیان روند رو به افزایشی داشته و در میان انواع ناهنجاری ها، آسیب زا ترین و گسترده ترین معضالت است. با توجه به معضل اعتیاد والدین و تاثیر بر رفتارهای اجتماعی کودکان، هدف این تحقیق، بررسی تاثیر اعتیاد بر رفتار پرخاشگرانه کودکان می باشد. امین و همکاران او (1388) در تحقیقی به بررسی تاثیر اعتیاد والدین بر رفتار فرزندان پرداختند. آنها با مطالعه کتابخانه ای دریافتند، ارتباط مستقیمی بین اختلالات رفتاری در کودکان و اعتیاد والدین وجود دارد. والدین اولین افرادی هستند که شخصیت کودک را شکل می دهند. اگر والدین دچار آلودگی به مواد مخدر باشند فرزندان آنها نیز از هر لحاظ آسیب پذیر می شوند. خانواده دارای والدین معتاد فرزندان که دچار بیماریهای روحی و روانی هستند را تحویل جامعه می دهند. پریشان حالی و روان رنجوری فرزندان در این خانواده ها بیشتر است (حسن پور، عبدالمهی، 1397).

## ضعف در شایستگی های اجتماعی

رشد شخصیت کودکان، شهروند خوب شدن و اجتناب از خشونت، یادگیری شیوه های مناسب برقراری ارتباط با دیگران و بهطور کلی داشتن مهارت در روابط بین فردی برای داشتن زندگی موفق 4 در دنیای کنونی، امری ضروری است. شایستگی اجتماعی را شامل چهار بعد توانایی و مهارت ها: مهارت های شناختی (خزانه اطلاعات، مهارت های پردازش و کسب اطلاعات، تصمیم گیری) مهارت های رفتاری (مهارت شروع و تداوم تعاملات اجتماعی، مذاکره، ابراز وجود)، شایستگی های هیجانی (توانایی برقراری ارتباط موثر با دیگران، تشخیص و پاسخدهی مناسب به علائم هیجانی) آمایه های انگیزشی و انتظاری (ساختار ارزش های فردی، سطح رشد اخلاقی

<sup>11</sup> Bullock

احساس اثربخشی و کنترل می دانند. شایستگی اجتماعی، ظرفیتی که کودکان را قادر به ایجاد و حفظ و روابط بین فردی و موثر، پذیرش همسالان، ایجاد و حفظ دوستی ها و خاتمه دادن به روابط بین فردی و مخرب می کند (علامه و همکاران او، 1397).

## بازی های رایانه ای

بازی های رایانه ای برنامه هایی هستند که برای تفریح و سرگرمی افراد مورد استفاده قرار می گیرند. بسیاری از کارشناسان تربیتی حضور مستمر و وسیع بازی های رایانه ای را در دنیای پاک کودکان خالی از خطر نمی دانند آنها معتقدند، خشونت، ترس، کشتار، در این بازی های به گونه ای ملموس است که کودکان با جایگزین خود به جای قهرمانی بازی متاثر گشته و آن را در محیط اطراف خود محقق می سازد. بازی های رایانه ای خشن از دیگر علایق کودکان در سال های اخیر است. آنها در این بازی ها نقشی را بعهده می گیرند. و فعالانه وارد عمل می شوند و در این زمینه حس گیری برخی از کودکان آنقدر قوی است که آنچه در فیلم ها و بازی های رایانه ای می بینند، روی خواهر، برادر، هم کلاسی هایش پیاده می کند. برخی از بازی ها از طریق تلویزیون یا رایانه بر آسیب های روانی می افزاید. و برخی اوقات این بازی ها به صورتی بسیار خشن و بی رحمانه و با تصاویری بسیار آزاردهنده هستند. فرد در مقابل خشونت ها به تدریج بی حس و بی احساس شده و اهمیتی از خود نشان نمی دهند. از طرف دیگر خود را برای انجام آن آماده کرده و قادر و توانا می بیند (بلبلی، غلام زاده، 1398).

## عزت نفس

عزت نفس یکی از مشکلات شایع کودکان و نوجوانان در روابط بین فردی در محیط مدرسه، پرخاشگری است. رفتار پرخاشگری مسئله ای مهم و متداول در حوزه روان پزشکی کودک و نوجوان است. به طور خاص، پرخاشگری مشکلات متعددی همچون بزهکاری، مشکلات زناشوی، افسردگی، سوء مصرف مواد مخدر، مشکلات شدید در روابط همسالان، عملکرد تحصیلی و مسائل شغلی را به وجود می آورد. در همین راستا، برخی از مطالعات انجام شده در این زمینه نشان داده است، عزت نفس نقش مهمی در پرخاشگری، فیزیکی، عصبانیت، و خشم دارد. عزت نفس بخش ضروری روان شناسی انسان گرایانه است و دلالت بر این که تا چه حد فرد خود را ارزشمند می داند، این سازه بر اطمینان و اعتماد افراد در روابط با دیگران، شغل و تقریباً بر همه بخش های زندگی تاثیر می گذارد. افرادی که از عزت نفس بالایی برخوردارند، کیفیت زندگی بالایی دارند. در نتیجه به نظر می رسد در تعارضات فردی کمتر به رفتارهای پرخاشگرانه اقدام کنند (صادقی و همکاران او، 1399).

## طلاق والدین

دوره های زندگی انسان در چرخه زندگی یعنی تولد تا مرگ هر کدام از اهمیت خاصی برخوردار هستند. همچنان که اکثر روان شناسان و پژوهشگران روان شناسی معتقدند که دوره کودکی و نوجوانی از مهم ترین دوره ای زندگی بشر است و دوره ی شن نامیده می شود یعنی شخصیت انسان در دوره ی کودکی شکل می گیرد. بنابراین عوامل زیادی بر این دوره کودکی تاثیر می گذارد. دانش آموزانی با

مشکلات هیجانی و رفتاری معمولاً درگیر در رفتارهای مانند پرخاشگری کلامی و فیزیکی هستند و کمبودهایی در اکتساب و عملکردهای اجتماعی دارند. پژوهش‌ها در حوزه مشکلات رفتاری نشان می‌دهد که مجموعه‌ای از عوامل از قبیل ژنتیک و رشد نایفگی عصبی تا عوامل اجتماعی و خانوادگی در بروز این اختلال‌ها نقش دارند. طلاق والدین یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کودکان هر جامعه‌ای ممکن است با آن روبه‌رو شوند. طی چهل سال گذشته طلاق والدین به عنوان علت دامنه‌ای از مشکلات هیجانی و رفتاری پایدار و جدی در کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شده است و خانواده‌های طلاق به طور گسترده‌ای به عنوان ساختارهای به طور جدی معیوب به وسیله متخصصان سلامت روان به تصویر کشیده شده‌اند. یافته‌ها همواره بر این نکته تأکید داشته‌اند که کودکان والدین طلاق گرفته در طی فرایند طلاق والدین، استرس زیادی را تجربه می‌کنند، کال، بیهوشی و نیز نشان دادند که کودکان طلاق، معدل درسی پایین‌تری نسبت به کودکانی که متعلق به خانواده‌های سالم هستند، دارند. در کل دامنه‌ای از ناباوری و انکار، غمگینی، فقدان، تنهایی، افسردگی، خشم، اضطراب، ترس، و... می‌باشد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴).

## راهکارها

### درمان تعاملی والد و کودک

یکی از موضوعات چالش برانگیز در عصر حاضر، مشکل پرخاشگری در کودکان و نوجوانان است. پرخاشگری از شایع‌ترین دلایل ارجاع به مراکز درمانی می‌باشد. نظریه پردازان یادگیری معتقدند که پرخاشگری یک رفتار آموخته شده است و از این رو شناخت آن در مهار و بروز خشم نقش دارند. یکی از رویکردهای موثر در این زمینه، آموزش مهارت‌ها به والدین با هدف ایجاد کنترل بر رفتار کودک است. آموزش این مهارت‌ها برای والدین به سبب ایجاد الگوهای تعاملی جدید می‌گردد که نقش به‌سزایی در درمان کودک ایفا می‌کند. با توجه به نقش مهمی که بهبود رابطه والد و فرزند در کاهش مشکلات رفتاری کودک از جمله پرخاشگری ایفا می‌کند، و به پشتوانه ارتباط قوی که والدین با فرزند خود دارند و درمانگر از آن بی‌بهره است، رویکرد نوینی در عرصه درمان تحت عنوان درمان تعاملی والد و کودک به وجود آمده است. که هدف آن ایجاد محیطی صمیمی، توجه غیرقضاوتی و نامشروط، افزایش احساس ایمنی و در نهایت رشد منبع کنترل درونی کودک به کمک فرایند تعامل والدین با کودک می‌باشد (پیرنیا و همکاران، ۱۳۹۶).

### آموزش شایستگی هیجانی

کودکانی که که آینده‌ساز اجتماعی خویش هستند، زمانی فرد مفیدی برای جامعه خواهند بود که در محیط خانوادگی سالم و امنی تربیت شده باشند. علل مختلفی در رفتارهای پرخاشگری نقش دارند. در این میان می‌توان به عوامل زیست‌شناختی مانند تستوسترون، عوامل خانوادگی، مانند شسوی‌های فرزند پروری، طرد و سهل‌گیری از سوی والدین، و عامل فردی مانند شایستگی هیجانی که بر اساس دانش هیجانی، و تنظیم هیجانی، تعریف شده است. می‌تواند افزایش در رفتارهای آشکار خود تنظیم شده را تقویت و رفتارهای ناسازگارانه را کاهش دهد. همچنین، فرایندهای هیجانی مثل دانش هیجانی و تنظیم هیجانی هر یک به طور مجزا به عنوان یکی از علل رفتارهای پرخاشگرانه شناسایی شده‌اند. دانش هیجانی اشاره به توانمندی فرد در خواندن نشانه‌های هیجانی و تشخیص حالات هیجانی و موقعیت‌هایی که هیجان در آن مناسب می‌باشد دارد. فقدان شایستگی هیجانی و یا دانش هیجانی متناسب با سن کودک، او را



در معرض خطر پر خاشگری قرار می دهد. متأسفانه در مدارس در حال حاضر اهمیت خاصی به دانش هیجانی یا شایستگی های هیجانی ارائه نمی شود و این کودکان را بیشتر در معرض خطر قرار می دهد. اگر چه تعداد کمی از برنامه های مبتنی بر مدرسه، یک جزء مجزای هیجانی دارند. شاید هیچ کدام به طور کامل مفهوم هیجان را به عنوان اصول و تکنیک های انگیزشی که به طور مداوم استفاده می شوند، یکپارچه نمی کنند. فراتحلیل گسترده ای از 177 برنامه های پیشگیری مبتنی بر مدرسه نشان داد که آنها به طور معمول بر روی آموزش مهارت های اجتماعی و حل مشکل بین فردی تمرکز می کنند (حصار سرخی و همکاران او، 1393).

### آموزش همدلی

پر خاشگری یکی از مشکلات رایج دوران کودکی و نوجوانی است لذا پژوهشگران زیادی درصد بیان راهکارهایی برای مداخله در رفتار پر خاشگرانه اند. از مدت ها قبل برخی از روان شناسان، مانند بندورا بر بهره گیری از روی آوردهای رفتاری و رفتاری شناختی در مهار و کاهش رفتارهای پر خاشگرانه تأکید کرده اند. بهترین شیوه ی مهار پر خاشگری و کاهش خشونت در جامعه، پرورش رفتار همدلی است. همدلی یکی از توانایی های هیجانی مهم است که نشانه ها و نمود های آن از اوایل کودکی آغاز می شود کودکانی که همدلی بیشتری دارند، نسبت به دیگران مهربانی و رفتارهای مراقبتی بیشتری انجام می دهند و حساس هستند و نگران آسیب دیدن دیگران هستند. هیجان مثبتی نسبت به دیگران دارند. نیاز به تکمیل دارد (وزیری، لطفی عظیمی، 1390).

### هنر درمانی

در دهه های اخیر مسائل و مشکلات رفتاری کودکان یکی از مباحث توجه برانگیز متون روانپزشکی، روانشناسی و تعلیم و تربیت بوده است. اختلال در رفتار ناشی از به هم خوردن ارتباط طبیعی و مناسب بین فرد و محیط اوست. بارزترین مشکل کودکانی که اختلال های رفتاری و پریشانی های عاطفی دارند، ناتوانی در ایجاد روابط رضایت بخش و نزدیک با سایر افراد است. رفتار پر خاشگری در کودکان، مشکل رایج است که در همه جای دنیا نیاز به توجه بسیاری دارد. روش های درمانی مختلف برای درمان پر خاشگری کودکان و نوجوانان پیشنهاد شده است. که از جمله می توان به روش های مبتنی بر نظریه یادگیری اجتماعی، تنش زدایی، آموزش آرمیدگی، استفاده از ورزش های مختلف و هنر درمانی اشاره کرده است. هنر درمانی یک روش ایجاد شده برای سلامت روان است که از روش خلاق ایجاد هنر برای رشد و ارتقای سلامت جسمانی، روانی، و هیجانی اشخاص در همه سنین استفاده می کند. این روش بر اساس این باور پایه گذاری شده است که فرایند خلاق به کار گرفته شده در بیان حال از راه هنر به افراد کمک می کند که تعارض ها و مشکلات را حل کنند و مهارت های بین فردی، مدیریت رفتار، کاهش استرس، افزایش عزت نفس و خود آگاهی را گسترش دهند و به بینش دست پیدا کنند. هنر درمانی زمینه ای گسترده دارد و از شاخه های این رشته می توان به فیلم درمانی، نمایش درمانی، نقاشی درمانی، موسیقی درمانی، و حرکت های موزون اشاره کرد. با دقت به رفتار و نوع بازی کودکان زمان فرایند هنر درمانی دیده می شود که آنها ضمن اینکه در نقش خود غرق شده اند، همزمان با شن، گچ، سنگ، عروسک ها، ابزار موسیقی، و وسایل دیگر بازی می کنند. اولین ابزار هنر درمانی، نقاشی می باشد. نقاشی فرصتی برای ارتباط و بیان ارتباط غیر کلامی است. برای کودکان خردسال و دبستانی که نمی توانند احساس خود را بیان کنند، نقاشی کشیدن و بیان داستان می تواند وسیله ای برای بررسی و فراهم کردن اطلاعاتی درباره اینکه آنها چگونه فکر یا احساس می کنند، باشد. نکته ای که از نقاشی کودک می توان فهمید، دریافت تاثیر محیط خارجی و تاثیر

موضوع های درونی و ذهنی روی کودک است. بنابراین از راه نقاشی های کودکان می توان اطلاعات مناسبی از ویژگی های عاطفی، ناکامی ها، فشارها و تمایل های درونی آنها کسب کرد (قاسم زاده و همکاران او، 1398).

## بخشایش درمانی

انسان ها به عنوان موجوداتی اجتماعی، روابط بین فردی خود را در گستره ی وسیعی با افراد دیگر حفظ می کنند در نتیجه احتمال تعارضات بین فردی بالا است. یکی از مکانیزم های که می توانند از ماهیت حلقوی اجتناب و انتقام را مختل سازد، بخشش است. رویکردی که به موجب آن افراد واکنش منفی طبیعی شان نسبت به فرد متجاوز را فرو می نشانند و به طور فزاینده ای برانگیخته می شوند تا در مقابل به شیوه های مثبت واکنش نشان دهند. بخشش تعاریف گوناگونی دارد، با این حال این توافق وجود دارد که بخشش در بردارنده ی حرکت از سمت افکار، رفتار و شناخت منفی در جهت مثبت است. بخشایش درمانی مداخله ای است که در آن یک پروتکل درمانی ساختار یافته جهت توانمندسازی مراجع، در بخشودن یک اتفاق یا بی عدالتی رنج آور در گذشته مورد استفاده قرار می گیرد. بخشش نه به صورت لطف نمودن در حق فرد خطا کار، بلکه به منظور یاری نمودن مراجع به رها سازی آزردهیجانی، در جهت رسیدن به یک خود انگاره سالم تر، کارکرد هیجانی بهبود یافته و تعاملات بین فردی ارتقاء یافته صورت می گیرد (لواف پور نوری و همکاران او، 1391).

## آموزش مهارت حل مسئله

پرخاشگری کودکان نوجوانان از دیرباز توجه زیادی را به خود جلب کرده و یکی از موضوعات اساسی بهداشت روانی محسوب می شود. به طور کلی مشکلات برخاسته از خشم یکی از دلایل مهم ارجاع کودکان و نوجوانان برای دریافت کمک های روان شناختی محسوب می شود. پژوهشگران، در سبب شناسی پرخاشگری و اختلالات رفتاری به عوامل متعددی اشاره می کنند که از مهم ترین آنها، ناتوانی در پردازش واقع بینانه اطلاعات، کمبود مهارت های اجتماعی و فقدان مهارت حل مسئله است. در نتیجه آموزش مهارت حل مسئله به عنوان یکی از روش های غلبه بر خشم مطرح شده است. پژوهش ها نیز حاکی از آن است که بین حل مسئله و سازش یافتگی رفتاری و هیجانی و حتی سلامت روان شناختی کودکان ارتباط قوی دارد. حل مسئله یک فرایند شناختی و عاطفی و رفتاری است. که در طی آن فرد یا گروه می کوشند تا ابزارهای سازش یافتگی یا کنار آمدن با مسائلی را که در زندگی روزمره با آن مواجه هستند، کشف کرده و با به وجود آوردن. بهره گیری از حل مسئله در بافت مدرسه باعث می شود که کودکان چگونه اندیشیدن را به جای به چه چیز اندیشیدن، بیاموزند. از دیگر سو توانایی حل مسئله اجتماعی از دو عنصر کلی و نسبتاً مستقل جهت گیری به مشکل و مهارت های حل مسئله تشکیل شده است روان درمانی برای تغییر در جهت گیری افراد نسبت به مشکل روش ها، فن های متعددی به کار گرفته می شود که یکی از روش ها استفاده از داستان و استعاره است. داستان ها قابلیت و پتانسیل متعددی دارند که توجه بسیاری از روان درمانگران کودک و بزرگسال و پژوهشگران را به خود جلب کرده امروزه استعاره و داستان هم در حوزه درمان وهم در حوزه آموزش های

روانی به کودک ونوجوان ، کاربرد وسیعی یافته است، زیرا وسایل منطقی ومولد برای ارتباط درمانی با کودک ونوجوان را فراهم کرده است. از آنجاییکه داستان ها معمولا حول محور مشکل بیمار اما در خارج از جهان او بر محوریت شخصیت دیگری اتفاق می افتد، بیمار فرصت می یابد تا خود، مشکلات و رفتارش را به صورت استعاره ای از بیرون بنگرد. که درن هایت موجب کاهش مقاومت بیمار می شود) زراعت کار، مرادی، 1398).

### نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی مسئله مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری در میان دانش آموزان مقطع ابتدایی صورت گرفته است. مشکلات رفتاری دانش آموزان ابتدایی از جمله پرخاشگری در حال حاضری به یکی از مسائل جدی تبدیل شده است و باعث ایجاد چالش هایی در مدارس شده است. این پرخاشگری بر روی مهارت های تحصیلی دانش آموزان ابتدایی، مهارت های زندگی، شغلی و... تاثیر منفی می گذارد. نتایج نشان داد پرخاشگری در میان دانش آموزان ابتدایی تحت تاثیر عوامل مختلفی صورت می گیرد، تحت تاثیر ژنتیک، عوامل اجتماعی مانند محیط ناسالم خانواده، سبک تربیت، اعتیاد والدین، و... عوامل فردی هم وجود دارد که بر پرخاشگری تاثیر دارد، مانند عزت نفس کودک، اعتماد به نفس کودک و... عواملی مانند ضعف در برخی مهارت های اجتماعی مانند شایستگی هیجانی و... همه ی این موارد در ایجاد پرخاشگری در میان کودکان تاثیر گذار می باشد. البته با انجام برخی از تحقیقات، نتایجی به دست آمده که اثرات مسئله پرخاشگری در میان دانش آموزان ابتدایی را می توان تحت تاثیر برخی از آموزش ها تا حد مطلوب کاهش داد.

### منابع

- بلبلی، فریده، غلام زاده، مریم (1398). بررسی تاثیر بازی های رایانه ای بر پرخاشگری کودکان 7 تا 9، پژوهشنامه. پیرنیا، بیژن. سلیمانی، علی. پیرنیا، کامبیز، (1395)، مشکلات رفتاری و درمان های روان شناختی، اثربخشی درمان تعاملی والد، کودک بر پرخاشگری کودکان، یک کار آزمایی کنترل شده تصادفی مقدماتی، فصلنامه مطالعات روان شناسی بالینی دانشگاه علامه طباطبایی، سال هفتم، شماره بیست وهفتم.
- حسن پور، منا، عبداللهی، داوود، (1397)، تاثیر اعتیاد والدین بر پرخاشگری کودکان، تعلیم و تربیت روان شناسی، حقوق، و مطالعات فرهنگی، اجتماعی. حصار سرخی، ربابه، طبیبی، زهرا، اصغری نکاح، محسن، باقری، نادر (1393)، اثربخشی آموزش شایستگی هیجانی بر افزایش دانش هیجانی، تنظیم هیجانی و کاهش پرخاشگری کودکان بی سرپرست و بدسرپرست، مجله روانشناسی بالینی، سال هشتم، شماره 3، (پیاپی 31).
- دیهیم مقدم، شهین، پنجه بند، محبوبه، محسنی ده بزرگ، فاطمه، (1402)، بررسی پرخاشگری وزورگویی در دانش آموزان پایه ی ششم ابتدایی، پژوهشنامه اورمزد.
- زراعت کار، هانیبه، مرادی، علیرضا (1398)، تاثیر آموزش مهارت های حل مسئله به روش داستان گویی بر سطح مختلف پرخاشگری دانش آموزان، فصلنامه سلامت روان کودک.
- شیخی، ملیحه، خمیرپور، هادی (1401)، راهکارهای تربیتی و اصلاح رفتار دانش آموزان پرخاشگر در مدارس، هفتمین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روان شناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش.
- شهرکی نیا، محدثه، کمان باز، زهرا (1402)، بررسی میزان شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان ابتدایی، پژوهشنامه اورمزد، شماره (61).
- شعبانپور، میترا، حسین پور، رضا (1398)، بررسی میزان آموزش گروهی مدیریت خشم برشادابی، سلامت روان و پرخاشگری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه اول شاهد تهران، فصلنامه روانشناسی نظامی، دوره 10، شماره (39)، صفحات 41-27.

شیرعبدانی، بهناز، گل، علیرضا، فرهادیان، فاطمه، طیبی، زهرا، نامور طباطبایی، سجاد، (1399)، نقش بدرفتارهایی عاطفی دوران کودکی در پیش بینی پرخاشگری بزرگسالی، مجبه روانشناسی، سال بیست و چهارم، شماره (1).

صادقی، زهرا، قیصری، گودرزی، سارا، همایونی مجد، سارا، براتچی، ندا، کیا دریندسری، فائزه، (1399)، مقایسه معنویت گرایی و عزت نفس نوجوانان پسر پرخاشگر با نوجوانان پسر عادی، مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، دوره چهارم، شماره (1)، صفحه 27-36.

عابدی، فاطمه، منادی، مرتضی، خادمی، ملوک، (1396)، گسترش فرهنگ کنترل پرخاشگری با روش شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی. عیسی نژاد، امیر، سعیدی، توحید، علیپور، الهه، (1398)، تاثیر آموزش فرزندپروری مثبت بر والدین بر مشکلات رفتاری و مسئولیت پذیری دانش آموزان پرخاشگر دوره ابتدایی، مجله مطالعات روان شناسی تربیتی، شماره (35).

علامه، عاطفه، شهنی بیلاق، منیجه، حاجی یخچالی، علیرضا، مهربانی زاده هنرمند، مهناز، (1397)، تاثیر آموزش مهارت های اجتماعی مبتنی بر برنامه گروه بندی مهارت بر شایستگی اجتماعی دانش آموزان پسر پرخاشگر، دو فصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری، سال ششم، شماره یازدهم، قاسم زاده، سوگند، امینی، سحر، نوروزی، راضیه، (1398)، تاثیر آموزش نقاشی انگیزشی بر رفتار پرخاشگرانه دانش آموزان پسر کم توان ذهنی، فصلنامه کودکان استثنایی، سال بیستم، شماره (1)، صفحات 45-46.

لوف پور نوری، فرشاد، زهرا کار، کاینوش، ثنایی ذاکر، باقر، (1391)، بررسی اثر بخشی بخشایش درمانی گروهی در کاهش پرخاشگری نوجوانان پرخاشگر 11 تا 13 ساله شهرستان دزفول، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، دوره 20، شماره 4، صفحات 489-500. میرزایی کوتنایی، فرشته، شاکری نیا، ایرج، اصغری، فرهاد، (1394)، رابطه تعامل والد-فرزند با سطح رفتارهای پرخاشگرانه دانش آموزان، فصلنامه سلامت روانی کودکان، دوره دوم، شماره (4).

میرزایی کوتنایی، فرشته، حسین خازنده، عباسعلی، اصغری، فرهاد، شاکری نیا، ایرج، (1394)، نقش انسجام خانواده در تبیین رفتارهای پرخاشگرانه فرزندان، فصلنامه تحول روان شناختی کودک.

میرنسب، میرمحمد، بیرامی، منصور، زندکریمی، بصیره، (1390)، مقایسه ی عوامل شخصیتی در بین دانش آموزان دختر پرخاشگر و غیر پرخاشگر، فصلنامه ی پژوهش های نوین روان شناختی، سال ششم، شماره (23).

هاشمی، فرح، امین یزدی، امین، کارشکی، حسین، (1394)، نقش تئوری ذهن وهمدلی در پیش بینی مشکلات رفتاری-هیجانی دانش آموزان خانواده های طلاق وعادی، پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره.

هجرائی دریا جان، هایده، شهریار احمدی، منصوره، استکی، مهناز، سپاه منصور، مزگان، صالحی، مهدیه، (1399)، اثر بخشی کاربرد بازی مبتنی بر تعامل والد- کودک بر خشم اضطراب و تنظیم شناختی هیجان در دانش آموزان پرخاشگر، مجله مطالعات ناتوانی.

یعقوبی، کژال، سهرابی، فرامرز، مفیدی، فرخنده، (1388)، بررسی و مقایسه ی میزان پرخاشگری کودکان طلاق وعادی، مطالعات روان شناختی دانشکده ی علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه الزهراء.

وزیری، شهرام، لطفی عظیمی، افسانه، (1390)، تاثیر آموزش همدلی در کاهش پرخاشگری نوجوانان، روان شناسی تحولی، روان شناسی ایرانی، سال هشتم، شماره (30).